

# منظومه دُرخواش

## تاریخ مشیریت آذربایجان



شاعر و نویسنده: محمد علی پروین سیرزای آشتیانی

# در حساب

بهرار ۱۳۸۷

سرشناسه : میرزای آشتیانی، محمدعلی، ۱۳۰۰ - ۱۳۴۵ هق.  
 عنوان و نام پدیدآور : در خوشاب / مؤلف محمدعلی پروین.  
 مشخصات نشر : تهران : نسیم تحول ، ۱۳۹۵ .  
 مشخصات ظاهري : ۹۹۲ ص.  
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۷۲-۰۲-۱  
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا  
 یادداشت : این کتاب قبلاً توسط انتشارات داودپروین زاده در سال ۱۳۸۸ چاپ و منتشرشده است.  
 موضوع : شعر فارسی -- قرن ۱۴  
 موضوع : th century Persian poetry --  
 موضوع : شعر ترکی آذربایجانی -- ایران -- قرن ۱۴  
 موضوع : th century Azerbaijani poetry -- Iran --  
 موضوع : ایران -- تاریخ -- انقلاب مشروطه، ۱۳۲۴ - ۱۳۲۷ق. -- شعر  
 موضوع : Iran -- History -- Constitutional Revolution, ۱۹۰۹- ۱۹۰۶  
 Poetry  
 رده بندی کنگره : PIR۸۲۲۳ / ۱۳۹۵ ۱۳۴۶۷۵۴ /  
 رده بندی دیوبی : ۸۱/۶۲  
 شماره کتابشناسی ملی : ۴۳۲۸۶۳۳

## در خوشاب

مولف: محمدعلی پروین میرزای آشتیانی  
 ناشر / انتشارات نسیم تحول  
 تیراز / ۱۰۰۰ جلد  
 قیمت / ۴۵۰۰۰ تومان  
 نوبت چاپ / اول ۱۳۹۵  
 قطع و صفحه / وزیری ۹۹۲ صفحه

تهران / خیابان ۱۲ فروردین / بن بست حقیقت / پلاک ۴ تلفن ۰۹۰۴۱۶۶۴

چاپ: احسان قم  
 حق چاپ محفوظ و مخصوص ناشر است.

این کتاب با مشارکت و حمایت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به چاپ رسیده است.

شابک ۱-۰۲-۰۲۷۲-۸۲۷۲-۶۰۰-۹۷۸ ISBN 978-978-600-8272-02-1



محمد علی پروین

---

## فهرست مطالب

---

عنوان	صفحه
مقدمه	
دز خوشاب .....	۱
برای آرایش دیباچه پروینی تیمنامسط مسدس در مدح شاه ولایت امیر مؤمنان .....	۶
مُسْمَط مسیع در سبب تأثیف کتاب دز خوشاب مجموعه پروینی فی انقلاب انتخاب آذربایجان... هذا کتاب دز خوشاب فی انقلاب انتخاب تبریز از مصنفات جناب شریعتماسب پروین میرزای آشتیانی .	۱۵
در مدح خواجه عالم حضرت رسول عالیین محمد ابن عبدالله .....	۲۱
در مدح مولای متقيان امیر مؤمنان علی ابن ابی طالب (ص) .....	۲۴
عنوان ناظمی خود را که از حضرت امام مجتبی (ص) مرحمت شده بیان میکند.....	۲۶
در بیان استقامت احوال و تدین اصناف تبریز و اطوار و تربیت شدگی آنها .....	۳۱
گفتگوی مصنف با حضرت والا محمدعلی میرزا ولیعهد.....	۳۳
جواب حضرت والا ولیعهد به مصنف .....	۳۷
جسارت دیگر به حضرت والا ولیعهد .....	۴۲
جواب محمدعلی میرزا ولیعهد ایران به مصنف .....	۴۳
جسارت دیگر به حضرت والا ولیعهد .....	۴۵
اجتماع مردم و بازار بستان شتریانیان .....	۴۶
رفتن مردم به قونسول خانه انگلیس و سفارشات به ولیعهد .....	۴۹
عتاب حضرت والا محمدعلی میرزا ولیعهد به تجار تبریز.....	۵۱
ترغیب مولانا شیخ سلیم مردم تبریز به جنگ محمدعلی میرزا ولیعهد.....	۵۳
سواره فرستادن ولیعهد به قونسول خانه انگلیس و .....	۵۸
مراجع特 لشکر ملی به قونسول خانه.....	۶۰
اجتماع ملت در مسجد صمصم و گفتگوی مجتهد با مشروطه خواهان.....	۶۱
گفتگوی مجاهدین با همدیگر و اوضاع تبریز.....	۶۳
سیاحت رفتن مصنف به خیابان .....	۶۶
رفتن والا حضرت محمدعلی میرزا ولیعهد به تهران .....	۶۷
وضع تبریز بعد از رفتن ولیعهد .....	۶۸

---

## فهرست مطالب

---

بیان اعتقاد حضرت مصنف که از این پیشواستان ندامت خواهد رسید.....	۷۰
در حسن رفتار رؤسا که دو ماه در بد و امر خوب رفتار نمودند .....	۷۰
برگشتن اعتقاد رؤسا از مدللت برای کسب لیره و در تعریف عشق.....	۷۱
عظ غوث المجاهدین اعرف الآن و الاین حضرت شیخ سلیم دامت برکاته .....	۷۳
رهنمایی آن حضرت به مجاهدین ایذالله لهم.....	۷۶
پاسبانی مردم با حکم مولی المجاهدین خانه های خود را.....	۷۸
مخمس غزل خواجه حافظ شیرازی.....	۸۰
مقدمه بیرون شدن جناب حاجی میرزا حسن آقامجتهد از تبریز.....	۸۳
تکلیف روسا به مجتهد مطروهی تربیت و حاجی علی دواچی .....	۸۵
رفتن مجاهدین به خانه مجتهد به گرفتن کاغذ فست تربیت و حاج علی دواچی.....	۸۶
رفتن حاج میرزا حسن آقا مجتهد از تبریز با اجتماع رجاله .....	۸۸
در تفسیر حروف مشروطه در ملک ایران.....	۹۰
در تفسیر حروف مشروطه در ایران .....	۹۱
رفتن مصنف با سیدهاشم شتربانی به تماشای انجمن ملی.....	۹۲
گفتگوی ملت غیور در انجمن .....	۹۴
عتاب سیدهاشم به وکلای انجمن .....	۹۵
تعرض لشکر ملی به شیخ سلیم.....	۹۶
رفتن سیدهاشم به تهران از پی رفع مشروطه.....	۹۸
دید و بازدید فدائی و مجاهد.....	۹۹
نطق حافظ ملت و مدّعی ثروت شیخ سلیم .....	۱۰۰
اسب دوانی لشکر ملی در میدان مشق .....	۱۰۴
مقدمه تهران رفتن ملت .....	۱۰۶
لشگرکشی به تهران از پی قانون اساسی .....	۱۰۹
در تأسف از امنیت زمان استبداد .....	۱۱۱
شکایت از وحشت رجاله و رجوع تایع اعمال خود .....	۱۱۲
کیفیت قتل مرحوم حاج قاسم اردبیلی .....	۱۱۳

---

## فهرست مطالب

---

آوردن رجاله حاجی قاسم را به عالی قاپو .....	۱۱۵
گفتار در عزت دنیا که ثباتی ندارد.....	۱۱۸
رفتن مصنف در انجمن به تماسای حکمران جدید.....	۱۱۹
نامه دعوت انجمن ملی به مصنف و جواب آن و مشروطه چی شدنش .....	۱۲۰
گفتگوی وکلا با مؤلف درباره ایران مداری.....	۱۲۲
جواب رؤسای انجمن .....	۱۲۳
جمع شدن وکلا و مجاهدین در تلگرافخانه و خواستن قانون از تهران .....	۱۲۵
نطق سیدالعلماءالعلماء در تلگرافخانه .....	۱۲۷
اصرار مجاهدین به حضرت شیخ سلیم برای رفتن طهران و پوزش شیخ مجاهدین را ..	۱۲۹
وعظ غوثالملاه به شیخ سلیم در مسجد خیابان مجاهد را.....	۱۳۱
من کلام ذری ناره .....	۱۳۲
اجتماع علماء در مسجد صادقیه و جلوگیری جناب میرزا علی اکبر از غارت نمودن شتریان و سرخاب .....	۱۳۴
لشکرکشی انجمن به سمت شتریان و سرخاب.....	۱۳۶
دسته بندی سرخاب و شتریانیان و جنگ همگروه .....	۱۳۸
جنگ دیم هم گروه .....	۱۳۹
جنگ سوم انجمن با سرخاب و شتریانیان به تخم کار لعنت .....	۱۴۰
رفتن اشراف تمام محلات خدمت حضرت شیخ سلیم و مکالمه ای با غارتگران .....	۱۴۲
معارضه شیخ سلیم با یوزیاشی باقر خیابانی .....	۱۴۳
آشتی محلات با همدیگر و تعین کدخداد در محلات و اوضاع دیگر .....	۱۴۷
سپردن انجمن حکومت را به اجلال الملک و حسن حکومت او .....	۱۴۹
انتظام مملکت از حکومت اجلال الملک و آسایش مردم در دوره او و آمدن سیده هاشم از تهران ..	۱۵۱
رفتن سیده هاشم در انجمن و مخاصمه او با شیخ سلیم درباره انتخاب ..	۱۵۳
انتخاب اول انجمن و پنهان شدن نام سیده هاشم شتریانی .....	۱۵۴
نطق غوثالملاه والانجمن حضرت شیخ در مسجد خیابان .....	۱۵۶
مسئله پرسیدن مردم از حضرت شیخ سلیم دامت برکاته .....	۱۵۹

---

## فهرست مطالب

---

- آمدن فرمانفرما از تهران برای حکومت تبریز و نطق شیخ در مسجد خیابان و رفتن فرمانفرما  
بعد از چند روز ..... ۱۶۰
- ورود فرمانفرما و عدم اعتنای ملت بر او و رفتن او بعد از یک ماه به ساوجبلاغ ..... ۱۶۲
- رفتن شاهزاده فرمانفرما از تبریز و سوگواری مؤلف به حال بیچارگان از آینده کار ..... ۱۶۳
- لشکر فرستادن انجمن به مراغه و آمدن حاج صمدخان از تهران به مراغه و گریختن مجاهدین .. ۱۶۵
- معارضی سیدهاشمیون با پرده و خواستن خیابانیان مجتهد را به تبریز و آمدن مجتهد . ۱۶۷
- کافی نبودن انجمن ملی به امور و معاون نهادن به خود در محلات ..... ۱۶۸
- باز شدن انجمن اسلامیه با ریاست سیدهاشم دروازه سرخاب و آمدن مجتهد و سایر اغنية در آن جا ..... ۱۷۰
- نامه انجمن اسلامیه به انجمن ملی خذلهم الله تعالی ..... ۱۷۱
- آمدن مخبرالسلطنه به تبریز و حبس نمودن و کشتن او ایت خلیل را هرج و مرج تبریز و آمدن  
اجلالالملک به اسلامیه و تغیر مجتهد بر او ..... ۱۷۲
- رفتن مخبرالسلطنه از تبریز به تصویب اجلالالملک ..... ۱۷۴
- آشوب تبریز بعد از رفتن مخبرالسلطنه ..... ۱۷۵
- مهملات مصنف از تفرقه حواس و شدت ممسوسی ..... ۱۷۷
- جنگ دویم انجمن اسلامیه و گرفتن خیابانیان مقاوه مجدهالملک را ..... ۱۷۹
- اعلان اسلامیه در شتریان و سرخاب ..... ۱۸۰
- سواد تلگراف محمدعلی شاه در اسوق اسلامیه ..... ۱۸۱
- سواد تلگراف آخوند خراسانی در اسوق انجمن ..... ۱۸۲
- صداي آمدن رحیم خان چلبانی و تشریف بردن حضرت شیخ سلیم از تبریز ..... ۱۸۳
- آمدن کاروان به شکایت از دزدی کسان رحیم خان در راه و ورود رحیم خان به تبریز . ۱۸۵
- وعظ سیدهاشم در شتریان و اشاره به حرکت سپهدار از تهران ..... ۱۸۶
- پیدا شدن جناب شیخ سلیم و تحریص آن مردم را به جنگ اسلامیه ..... ۱۸۹
- جنگ مغلوبه تمام محلات با لشکر اسلامیه و گفتگوی ایشان با همدیگر ..... ۱۹۱
- ستوهی شدن لشکر اسلامیه و رسیدن مقدمه الجيش تهران به باسمنج ..... ۱۹۴
- پنهان شدن وکلا و مشورت ستارخان سردار با سالار و رای دادن هر دو به جنگ شهزاده ..... ۱۹۶
- رفتن مصنف به سیاحت خیابان و گرفتاری او ..... ۱۹۷

---

## فهرست مطالب

---

لشکرآرایی همگروه و انتظار لشکر اسلامیه به شاهزاده ..... ۱۹۸
در ملامت عموم و مناجات با قاضی الحاجات و توسل به حضرت امیر علیه السلام ..... ۱۹۹
بسم الله الرحمن الرحيم ..... ۲۰۳
ترجمة حدیث کسا برای توسل به آل عبا ..... ۲۰۴
بسم الله الرحمن الرحيم ..... ۲۰۹
نامه نواب شاهزاده عین الدوّله به سرکردگان لشکر ملی ..... ۲۱۰
شورت سردار و سالار ملی در جواب نامه شاهزاده عین الدوّله ..... ۲۱۲
جنگ ستارخان با اسلامیه و رسیدن سپاه سلطانی به یاری اسلامیه ..... ۲۱۴
فرستادن عین الدوّله ناصرالله خان برادر خسروخان (یورتچی را) به یاری اسلامیه و جنگ او ..... ۲۱۶
خدوستائی ستارخان و ملامت او لشکر خود را ..... ۲۱۹
رفتن اهالی محلات به عنوان جهاد رو به لشکر عین الدوّله با حکم سالار ملی دامت برکاته و برگشتن آنها ..... ۲۲۱
آمدن رحیم خان به یاری اسلامیه و جنگ سپاهش در امر خیز ..... ۲۲۴
سوگواری رحیم خان سر نعش فرزندش و مناجات او ..... ۲۲۸
آمدن شجاع نظام مرندی از طرف عین الدوّله به یاری اسلامیه ..... ۲۲۹
وضع تبریز از غارت رحیم خانیان ..... ۲۳۳
تاراج بازار تبریز از مجاهد و رجاله اسلامیه و به زیارت رفتن غارتیان ..... ۲۳۴
نکوهش ستارخان سردار به جان خود و اراده جنگ ..... ۲۳۶
جنگ ستارخان با رحیم خان و شجاع نظام و جنگ سالار با ناصرالله خان یورتچی ..... ۲۳۸
صحبت سرکردگان از دلیری طرف مقابل خود و می خواستن ..... ۲۴۱
جنگ سردار و سالار ملی با تمام قوای خود با لشکر اسلامیه و کشته شدن حسین خان با غبان به دست شجاع نظام ..... ۲۴۳
جنگ شبیخون سردار با اسلامیه به خون خواهی حسین خان با غبان ..... ۲۴۷
مهملات و پرشان گویی از کثرت اندوه ..... ۲۵۰
رفتن حاج محمد جعفر اصفهانی و سایر اشراف از تبریز و گرفتاری میرزا محمد آقا برادر امام ..... ۲۵۳
جمعه در خیابان ..... ۲۵۳

---

## فهرست مطالب

---

رفتن مصنف نزد ستارخان سردار و گفتگوی ایشان و رأی دادن ستارخان به آشتی و برگشتن او.....	۲۵۵
جواب مجلد به سردار.....	۲۵۹
جواب ستارخان سردار و رأی دادن او بر آشتی جمع شدن وکیلان دو جانب در مسجد ششکلان و برهم شدن آشتی.....	۲۶۱
کیفیت قتل میرزا احمدآقا برادر آقای حاج میرزا عبدالکریم امام جمعه.....	۲۶۳
نکوهش در حق اولیای ستم در روزگار .....	۲۶۶
جنبیش سرکردگان اسلامیه از قتل میرزا محمدآقا و ماتم آن نوجوان شهید طاب ثراه ...	۲۶۸
نامه جناب حاج میرزا حسن آقا مجتهد از اسلامیه به شاهزاده عینالدّوله .....	۲۷۱
جواب نامه مجتهد از نواب و الاشاهزاده عینالدّوله .....	۲۷۲
تعنت سرداران شاهی به نامه عینالدّوله و تحسین مجتهد و اراده حرکت و هجوم مشروطگان به اسلامیه .....	۲۷۵
نامه سردار نصرت و شجاع به نواب شاهزاده عینالدّوله .....	۲۷۸
گفتگوی غارت چیان مشروطچی با بیماران مستبدادیان .....	۲۸۰
رفتن حاجی میرزا حسن آقا مجتهد و امام جمعه از اسلامیه و خرابی اسلامیه و اوضاع خانه خرابی سرخاب و شتربانیان .....	۲۸۲
غارت نمودن مجاهدین خانه ملک التجار را و سوختن عمارت او .....	۲۸۵
غارت شدن خانه جناب حاجی میرزا حسن آقا مجتهد دامت برکاته .....	۲۸۶
غارت شدن خانه جناب حاج میرزا عبدالکریم آقا امام جمعه سلمه الله تعالی .....	۲۸۷
تعرضات جهآل و غارتگران به مستبدین و علمای امامیه .....	۲۸۹
نشستن نواب و الاعین الدّوله در باسمتیج و گرد آمدن لشکر و بستن سرچشمه ها و راه آذوقه .....	۲۹۳
رسیدن خبر حرکت حاج صمدخان مراغه به تبریز لقب شجاع الدّولگی در همین جنگ داده شد.....	۲۹۴
رفتن میرهاشم خباز رئیس نظام به جلوگیری شجاع الدّوله در سردرود .....	۲۹۶
در نایابی داری روزگار و نکوهش رجاله و مناجات به حضرت باری عزّ اسمه .....	۲۹۹

---

## فهرست مطالب

---

محاصره عین‌الدّوله تبریز را و ترقی اشعار و سرسام مصنف از مجاعت ..... ۳۰۲
گفتگوی سردار و سalar راجع به محاصره تبریز و اوضاع مردم ..... ۳۰۶
دادخواهی مردم به دربار سردار ملی و ستوهی شدن و سخت گفتن از تمامی محلات تبریز ..... ۳۰۸
جواب ستارخان سردار به دادخواهان و وعده آسودگی دادن ..... ۳۱۰
جنگ سالار ملی با صمدخان در بیرون محله خطیب و جنگ ستارخان با رحیم‌خان سردار نصرت در آجی کنار ..... ۳۱۲
غارت شدن خانه اعتماد‌الدّوله و رحیم‌خان چلبیانلو برای جیره مجاهدین ..... ۳۱۷
غارت شدن خانه فخر‌الذکرین با غمیشه و شیخ حسن مهریانی و جستن خانه‌ها برای نان ..... ۳۲۰
در مذمت خود و ندامت از شرزبان ..... ۳۲۴
جنگ ستارخان در آجی کنار و گلوله خوردن اوستامحمدخان امیر‌تoman و سوختن قورخانه ملتی در امیرخیز و سوختن مجاهدین ..... ۳۲۶
جنگ ستارخان با رحیم‌خان در آجی کنار ..... ۳۲۸
آوردن مجاهدین رحیم‌خان را دست بسته به تبریز ..... ۳۳۱
توب بستن لشکر شاهی تبریز را از هاچه‌ DAG و ساری‌DAG ..... ۳۳۳
جواب حضرت سالار ملی به ملت و مجاهدین نکوهش و پژوهش آن و وعده استخلاص ..... ۳۳۷
کشتن لشکر شهریاری میر‌هاشم رئیس نظام را در سرکوه قله تبریز ..... ۳۳۹
در ملامت نفس ..... ۳۴۲
شیخون زدن به اردوی دولتی و کشته شدن حسن دلی ..... ۳۴۴
نامه شاهزاده عین‌الدّوله به جناب اجلال‌الملک ..... ۳۴۹
جواب نامه شاهزاده از حضرت سردار ملی ..... ۳۵۱
رسیدن نامه ستارخان به شاهزاده عین‌الدّوله و جنگ مغلوبه همگروه ..... ۳۵۳
اجتماع مردم به دربار سالار و شکایت آنها و شورای دو سردار و رای هر دو به تسليم و عقب نشستن لشکر شاهی ..... ۳۵۸
عبور لشکر روس از جلفا به تبریز ..... ۳۶۰

---

## فهرست مطالب

---

ساقی نامه و اشاره به ششامت ایام آینده .....	۳۶۱
رفتن سپهدار از رشت به تهران و استغفای محمد علی شاه از سلطنت .....	۳۶۳
در عزّت دنیا که ثباتی ندارد .....	۳۶۴
چراغان و آین بندي تبريز در جشن سلطنت اعليحضرت سلطان احمد شاه قاجار خلد الله ملکه .....	۳۶۵
تاریخ مشروطه خواهی تبریز تا جلوس سلطان احمدشاه قاجار ۴ ربیع ۱۳۲۷ .....	۳۶۷
خرابی سنگران از سپاه روس و ناجیبی مستبدین .....	۳۶۹
رفتن سردار و سالار به شهبندری .....	۳۷۰
در مذمت غفلت .....	۳۷۱
سؤال از وضع مملکت «و جواب آن» .....	۳۷۷
نامه انجمن به سپهدار لشکر روس و تکلیف خواستن .....	۳۷۹
جواب نامه انجمن از سپهدار لشکر روس .....	۳۸۰
اعلان رئیس انجمن آقای سیدالمحققین و مردم را ترغیب به اتحاد .....	۳۸۱
رافاهیت مردم از حسن رفتار انجمن و اتحاد اهالی .....	۳۸۵
فرستادن مجاهدین جعبه بمب به نام جوهر سیب به مرند و کشته شدن شجاع نظام مرندی .....	۳۸۷
آمدن مخبرالسلطنه بار دوم به تبریز و اشاره رفتن سردار به اردبیل .....	۳۹۰
جنپیش فرقه شاهسون و چاپیدن آنها دهات آذربایجان را .....	۳۹۱
رفتن ستارخان به اردبیل برای نظم فرقه شاهسون .....	۳۹۳
سوار شدن سردار ملی .....	۳۹۵
برگشتن سردار از اردبیل .....	۳۹۷
گفتگوی امرای شهسون با ستارخان در اردبیل .....	۳۹۹
پیغام شهسون به ستارخان و محاصرة او را در قلعه اردبیل و فرار او .....	۴۰۲
چاپیدن شهسون دهات را بعد از فرار سردار از اردبیل .....	۴۰۳
نامه رعایای دهات به انجمن ایالتی .....	۴۰۴
شور وکلا و مخبرالسلطنه برای رفع انقلاب شهسون .....	۴۰۵

---

## فهرست مطالب

---

سوار شدن سalar ملی به جنگ شهسون.....	۴۰۷
جواب مخبرالسلطنه از شجاعالدوله .....	۴۰۹
رسیدن ریاست ماییه به جانب میرزا حسین واعظ .....	۴۱۱
محاکمه پروین مصنف در عدیه در حضور نقيب الاشراف و محکوم شدش.....	۴۱۳
مداخلة بلدیه به معادن و افزودن ماليات متفرقه .....	۴۱۷
مغلوبی و اسارت شهسون و برگشتن شجاعالدوله .....	۴۲۱
به مراغه و یفرم به تبریز .....	۴۲۱
ضیافت یفرم خان رؤسای مشروطه را و نطق او.....	۴۲۳
جواب اعتراضات یفرم خان سردار از جانب میرزا حسین واعظ .....	۴۲۷
رفتن با ترخان سalar از جنگ شهسون به قصبه هریس و بیعت گرفتن از آنها به مشروطه .....	۴۲۹
نطق سalar در هریز و دعوت او مردم را به مشروطه .....	۴۳۲
مراجعةت یفرم خان سردار به تهران و دلچوئی او از رؤسا.....	۴۳۴
نصایح مشفقانه و تنبیه صادقانه پروینی.....	۴۴۰
ساقی نامه برای امنیت مؤقتی از اشرار تبریز و شر شهسونها .....	۴۴۴
رها شدن رؤسای شهسون از تهران و انقلاب دهات .....	۴۴۷
مشورت وکلاه درباره جنگ شهسون و تصمیم مخبرالسلطنه حاجی صمدخان شجاعالدوله را... .	۴۵۰
نامه انجمن ایالتی به حاج شجاعالدوله و استمداد از .....	۴۵۲
حضرتش به جنگ شهسون .....	۴۵۲
جواب نامه انجمن ایالتی از حاج شجاعالدوله .....	۴۵۴
شور وکلا و خواندن نامه شجاعالدوله و نقض عهد آنها .....	۴۵۶
نکوهش نویری ستارخان را به مخبرالسلطنه و اصرار او به رفتن سردار و سalar به تهران و	
ستیزه ستارخان و خودستایی و رفتاران به تهران .....	۴۶۰
گفتگوی مخبرالسلطنه با میرزا اسماعیل نویری در فرستادن قورخانه به حاج صمدخان و عدم رای نویری.....	۴۶۳
جواب نویری به مخبرالسلطنه و عدم رای او به فرستادن قورخانه به حاج شجاعالدوله و رفتن	

---

## فهرست مطالب

---

مخبرالسلطنه .....	۴۶۵
آمدن امان الله میرزا به ریاست نظام تبریز و امامقلی میرزا بر ایالت تبریز.....	۴۶۶
نامه حاج صمدخان شجاع الدّوله از سراب به انجمن ایالتی و خواستن قورخانه.....	۴۷۳
رسیدن نامه به شجاع الدّوله و مشورت وكلاء و جواب آن .....	۴۷۶
جواب نامه حاجی صمدخان شجاع الدّوله از انجمن .....	۴۸۰
جواب نامه انجمن ایالتی به حاج صمدخان شجاع الدّوله.....	۴۸۱
رسیدن نامه شجاع الدّوله و شور وكلاء و ممانعت میرزا حسین واعظ از خون ریختن و اقدام نوبری به جنگ .....	۴۸۶
وفات رئیس المجاهدین خراننده سه خروار مس های غارتی امام جمعه از غارتگرین علی مسیو رحمة الله .....	۴۹۲
نامه رحیم خان سردار نصرت به جانب ثقہ الاسلام و امان خواستن .....	۴۹۵
شادمانی مجاهدین از امان خواستن رحیم خان .....	۴۹۷
جواب نامه رحیم خان از جانب ثقہ الاسلام .....	۴۹۸
ترغیب نوبری مردم را به جنگ شجاع الدّوله و تعرّض به علماء سوه .....	۴۹۹
محاصره شجاع الدّوله تبریز را.....	۵۰۳
شور وكلاء به فرستادن نماینده نزد صمدخان در باسمنج و بند آمدن زبان اشرار .....	۵۰۶
گفتگوی شجاع الدّوله در باسمنج با نمایندگان انجمن.....	۵۰۷
برگشتن نمایندگان از باسمنج و شور وكلاء و اقدام جنگ .....	۵۱۳
نامه اهل تبریز علاییه به حاج شجاع الدّوله و بی وفاتی آنها در حق انجمن .....	۵۱۶
نامه تبریزیان به حاج شجاع الدّوله .....	۵۱۷
گفتگوی خانخان بصیرالسلطنه با نوبری در ایالت .....	۵۱۹
جواب نوبری.....	۵۲۲
جواب بصیرالسلطنه .....	۵۲۳
شهرت دادن مجاهدین امان خواستن شجاع الدّوله را از انجمن .....	۵۲۴
شهادت فخرالمجاهدین رئیس انجمن قدرت در خیابان زمین آخوند ملا حمزه نیابتچی طاب ثراه .....	۵۲۶

---

## فهرست مطالب

---

انتخاب نمودن دیمکراتیون و کلای انجمن را و بودن اکثریت با آنها.....	۵۲۸
رای خواستن نویری از وکلام درباره شجاع الدّوله و خواستن.....	۵۳۰
او سرکردگان را.....	۵۳۰
مانع شیخ سلیم او را از جنگ .....	۵۳۱
عتاب سیدالحقین به شیخ سلیم بیچاره.....	۵۳۳
جواب نویری به شیخ سلیم دامت برکاته .....	۵۳۴
نطق میرزا علی ویجویه و خواندن نامه دروغ از صمدخان.....	۵۳۶
کشتن رؤسا رحیم خان را.....	۵۳۷
گفتار در وخت ظلم بر ستمکار.....	۵۴۱
رفتن شاهزاده امامقلی میرزا و نانجیی اشرار و گرفتن اسلحه از لشکر او.....	۵۴۳
رسیدن به امان الله و تازیانه بستن مشروطه چیان مستبدین را.....	۵۴۶
پیغام قونسلگری دولت بهیه به انجمن ایالتی شیدالله عن درamat الزوس .....	۵۴۹
استنطاق انجمن سردار رشید را در ایالت کبری و بردن لشگر روس او را.....	۵۵۰
نامه شجاع الدّوله به حاج ابوالملّه و رفتن او به باسمنج و گفتگوی ایشان .....	۵۵۳
جسارت بیچاره مصیف به حضرت حاج شجاع الدّوله .....	۵۵۸
رفتن نمایندگان انجمن به باسمنج نزد شجاع الدّوله .....	۵۶۰
رسیدن نمایندگان حضور شجاع الدّوله .....	۵۶۱
فرستادن شجاع الدّوله شهابالممالک را نهاناً به قره ملک با ده نفر و رفتن مجاهدین برای ویرانی آنجا و حیله شهابالممالک به مجاهدین .....	۵۶۴
رسیدن خبر فتح مجاهد و چراغانی انجمن و رفتن مصیف به قراملک .....	۵۶۹
كيفیت تبریز بعد از وقوع جنگ قراملک .....	۵۷۱
مجلس جشن مستبدین و نامه آنها به صمدخان شجاع الدّوله .....	۵۷۲
نکوهش نمودن مصنف استبدادیان را از شادی نمودن از اقدام شجاع الدّوله و تنبیه.....	۵۷۵
پناهندگی رعایای دهات در باسمنج به شجاع الدّوله .....	۵۷۷
جواب شجاع الدّوله به رعایای دهات .....	۵۷۸
نامه شجاع الدّوله از باسمنج به قونسول و سپهبدار روس .....	۵۷۹

---

## فهرست مطالب

---

احتجاج شجاع‌الدّوله به انجمن ایالتی .....	۵۸۰
رفتن نمایندگان انجمن نزد شجاع‌الدّوله .....	۵۸۱
عتاب شجاع‌الدّوله به نمایندگان .....	۵۸۲
گفتگوی وکلاء و رای به تسليم شجاع‌الدّوله .....	۵۸۴
نامه وکلاء به حاجی شجاع‌الدّوله و خواستن او را به تبریز از روی حقیقت .....	۵۸۶
رفتن صمدخان شجاع‌الدّوله و قورخانه او به تبریز .....	۵۸۹
جواب نامه شجاع‌الدّوله از قونسولگری و ممانعت او شجاع‌الدّوله را از ورود به تبریز ..	۵۹۰
گرفتن روسان اسلحه از مجاهدین .....	۵۹۱
نامه انجمن به قونسولگری و اعتراض به اقدام او .....	۵۹۴
شورای مجاهدین در باره جنگ روس .....	۵۹۵
جنگ مغلوبی مجاهدین با لشکر روس .....	۵۹۶
شورای مجاهدین با همیگر برای جنگ روسان و بدروز آنها اطفال و اولاد خود را ...	۵۹۹
جنگ لشکر روس با مجاهد و کشته شدن مجاهدین و متارکه مؤقتی .....	۶۰۱
جنگ مغلوبیه و بمباران لشکر روس تبریز را و رشادت مجاهد .....	۶۰۳
فرستادن شجاع‌الدّوله صمصادم السلطان را برای آگاهی از احوال تبریز .....	۶۰۶
دادخواهی عموم اهالی تبریز از شجاع‌الدّوله و رفتن ایشان به با منج .....	۶۰۸
طغیان لشکر روس و فراچیدن بساط انجمن و اشاره به شهادت حضرت ثقة‌الاسلام اعلی‌الله مقامه .....	۶۰۹
بردن لشکر روس حضرت ثقة‌الاسلام را به قونسولگری و عتاب مرحوم آقای ثقة‌الاسلام به سپهدار روس و جواب او .....	۶۱۲
خشمنگین شدن سپهدار روس به حضرت ثقة‌الاسلام طاب ثراه .....	۶۱۴
جواب مرحوم مغفور آقای میرزا علی ثقة‌الاسلام به سپهدار لشکر روس .....	۶۱۵
نامه سپهدار لشکر روس به حاجی شجاع‌الدّوله و خواستنش به تبریز .....	۶۲۰
شهادت مرحوم و مبرور میرزا علی آقای ثقة‌الاسلام اعلی‌الله مقامه .....	۶۲۲
گفتگوی مجدد سردار سپاه امپراطور و ثقة‌الاسلام شهید طاب ثراه .....	۶۲۳
قتل مرحوم شیخ سلیم و صادق‌الملک و ضیاء‌العلماء و غیرهم .....	۶۳۰

---

## فهرست مطالب

---

- انتظام تبریز و آمدن شجاع‌الدّوله و مستبد شدن نظمیه‌ها یازدهم شهر محرم ۱۳۳۰ ..... ۶۳۳  
رفتار شجاع‌الدّوله و کشتن او سرداران مشروطه نام را ..... ۶۳۴  
کشتن شجاع‌الدّوله مجاهدین خودکام را ..... ۶۳۸  
لشکر فرستادن شجاع‌الدّوله به سمت اردبیل و تمکین آوردن او شهسون را ..... ۶۴۱  
اشعار مسدس در رفاهیت مملکت بعد از رفع غایله نفسانی به عنوان تشکر به پروردگار مستزاد گوید مسدس ..... ۶۴۴  
ستیزه شجاع‌الدّوله با وزراء و فرستادن جهانشاه‌خان را با لشکر و فرستادن شجاع‌الدّوله اسماعیل‌خان سرایی را و غلبه اسماعیل‌خان به جهان‌شاه‌خان ..... ۶۴۷  
غارت نمودن روس‌ها خانه‌های سردار و سalar ملی و علاتیه فرستادن به رویه ..... ۶۵۰  
آمدن سپهدار اعظم به تبریز برای مسئول نمودن شجاع‌الدّوله از جلوگیری جهان‌شاه خان ..... ۶۵۳  
گفتگوی سپهدار اعظم با حاج شجاع‌الدّوله و مراجعت سپهدار به تهران ..... ۶۵۵  
آرایش حاج شجاع‌الدّوله به مراتب ایالتی خود ..... ۶۶۱  
تلگراف عین‌الدّوله و سایر وزراء به حاج شجاع‌الدّوله ..... ۶۶۳  
جواب تلگراف وزراء از شجاع‌الدّوله به اعلیحضرت همایونی ..... ۶۶۴  
انصراف شجاع‌الدّوله از ایالت و آمدن حکم ایالت به سردار رشید و خشم شجاع‌الدّوله به ریس تلگراف ..... ۶۷۰  
رفتن شجاع‌الدّوله به رویه و رسیدن خبر سپاه عثمانی و رفتن روس‌ها ..... ۶۷۱  
ورود سپاه عثمانی با ریاست ارکان پاشا و فوزی بیک و بلوری ..... ۶۷۳  
رفتار سپاه عثمانی به ریاست حاجی بیک و پول‌گرفتن از مردم ..... ۶۷۶  
لحن موزیکان در جشن شهبندری در حضور سردار رشید و ارکان‌پاشا و غیرهم ..... ۶۷۷  
تعاقب نمودن اکراد روییان را و کشته شدن آنها در صوفیان ..... ۶۸۰  
رفتن سردار رشید از پی بازآوردن سپهدار روس از صوفیان به تبریز ..... ۶۸۲  
اصرار و پوزش سردار رشید و آوردن سپهدار روس را به تبریز ..... ۶۸۶  
آرامی تبریز از نظم سردار رشید و دادن سپهدار روس عفو عمومی ..... ۶۸۷  
تحت حمایه شدن مردم به دولت روس و بیرون نمودن روس‌ها تابع خارجه را از تبریز ..... ۶۹۰

---

## فهرست مطالب

---

- آمدن محمد حسن میرزا ولیعهد به تبریز و آیین بندی و استقبال اهل تبریز او را ۱۴ صفر  
۱۳۳۳ ..... ۶۹۱
- قتل مرحوم امام جمعه و پسرش و ملامت از علماء سوء و بعضی واعظان بی دین و  
طبیعی ..... ۶۹۴
- یاغیگری اسمعیل خان سرابی و کشته شدن و غارت اموالش ..... ۶۹۹
- کشته شدن سردار رشید و آمدن محتشم السلطنه به تبریز و قحط و غلا و خستگی و فروختن  
رؤسا غله دیوانی را به پنهانی ..... ۷۰۱
- ترک دنیا شدن حضرت نوبیری و شد رحال او به همدان و تجدید انتخاب دارالشورا ..... ۷۱۰
- انتخاب نمودن مردم به بازیچه کاری و عدم پیشرفت آن و جنبش شیخ محمد خیابانی ..... ۷۱۳
- قیام شیخ محمد خیابانی و آرایش تجدید بر اساس دیرینه و کاهیدن القاب و غیره ..... ۷۱۵
- نطق های مکرر شیخ محمد خیابانی در عالی قاپو ..... ۷۱۹
- گفتار متفرقه در ملامت و مذمت جاهلان آزاده و ناسپاسی ..... ۷۲۵
- پدیدار شدن خان لاہوتی و خود ستایش در میدان مشق و درود بر خیابانی ..... ۷۲۹
- شورای ملت بدیخت از جسارت لاہوت خان و غیره نسبت به دین اسلام ..... ۷۳۲
- جنگ لاہوت خانی بالشکر اسمعیل خان امیر لشکر شمال غرب ..... ۷۳۳
- گرفتن اسمعیل خان امیر لشکر تبریز را و تاراج بازار و گریختن لاہوتی و کشته شدن خیابانی  
محرم ۱۳۳۶ ..... ۷۳۶
- شورت مخبر السلطنه درباره آشوب آذربایجان با امیر لشکر شمال غربی و رفتن امیر ارشد به  
جنگ اسماعیل آقا ..... ۷۴۰
- نامه سام خان امیر ارشد به اسمعیل آقا در کردستان و اعلان جنگ ..... ۷۴۵
- ساقی نامه در بی وفاکی دنیا و نکوهش بر طالبان جاه راجع به مرگ امیر ارشد و دولتخواهی او  
۷۴۸
- رفتن امیر ارشد سام خان پسر رستم خان قرا داغی به جنگ اسماعیل آقا برادر جعفر آقا ..... ۷۵۰
- جواب نامه امیر ارشد از اسماعیل آقا و پیمودنش طریق آشتی و پاره شدن نامه او ..... ۷۵۲
- جنگ سام خان امیر ارشد در سلماس با لشکر اسماعیل آقا و شکست دادن به لشکر اکراد و  
رسیدن تیر ناگهانی بر او ..... ۷۵۴

---

## فهرست مطالب

---

- افسوس مصنف به مرگ ناگهانی سام خان امیر ارشد و بدبختی ایران و ایرانیان ..... ۷۵۶
- آوردن لشکریان نظامی نعش امیر ارشد و سوگواری نظامیان در ماتمش ..... ۷۵۸
- در مذمت ستمکار و دلداری بر مظلوم و توکل نمودن به پروردگار ..... ۷۶۰
- جنبش اکراد اسماعیل آقا و عمر آقا بعد از مرگ امیر ارشد و شورش شهسوستان و خرابی آذربایجان و دادخواهی مردم از تهران ..... ۷۶۷
- جنبش رضاخان سردار سپاه ایران و وزیر جنگ از بی نظم و گفتگوی آن با دارالشورا . ۷۶۸
- جنگ شاهزاده امان الله میرزا با اسماعیل آقا در سلماس ..... ۷۷۱
- ساقی نامه در نشاط امنیت روزگار متنه به تشکر از سردار سپه ..... ۷۷۶
- عرضحال پروینی به قایم مقام الملک رشتی و کیل دارالشورا ..... ۷۸۵
- وضع مملکت آذربایجان در بد و جلوس رضاخان وزیر جنگ ..... ۷۸۸
- فرستادن سردار رضاخان وزیر جنگ عبدالله خان امیر لشکر را به تبریز ..... ۷۹۰
- رفتن امیر لشکر شمال غربی عبدالله خان طهماسبی به جنگ شهسون و تسليم آنها ..... ۷۹۴
- آرامش صفحات اردبیل و خلخال به سرکردگی عبدالله خان طهماسبی امیر لشکر ..... ۷۹۸
- شکایت از عدیه و مقامات صالحه حقوقی به دارالشورای کبری ..... ۸۰۳
- گفتار در نکوهش اشتباه علماء از عدم ملاحظه آنها به عدیه دچار شدیم ..... ۸۱۳
- گرفتن اسلحه بدون قیمت از اهل تبریز و شوسه نمودن شاهراهها بی دادن اجرت و خراب کردن عبدالله خان طهماسبی خانه و دکاکین مردم را و خیابان بنا نمودن ..... ۸۱۸
- تفییر رأی رضاخان وزیر از وزارت به خیال سلطنت و رفتن سلطان احمدشاه به فرنگستان و سپردن زمام مملکت بر او ..... ۸۲۱
- آمدن جواب عرض حال پروین که بر پیشگاه رضاخان وزیر جنگ نوشته و به پایان کتاب اعانه خواسته است ..... ۸۲۳
- اعلام و توضیحات ..... ۸۲۶

## مقدمه و شرح حال

نامش محمدعلی تخلص پروین مسمی به پروین میرزای آشتیانی مولد و موطن اصلی تبریز متولد ۱۳۴۰ قمری برابر با ۱۲۴۰ شمسی به استناد اشعار و سرودها شن عمرش ۴۵ سال اهل فضل و دانش و علاقهمند به شاهنامه فردوسی و معتقد به آیات شریفه قرآن بطوریکه کراراً در آیات و افکار خود انوار الهی را تداعی کرده و شاهد و ناظر سرودهای خود قرار داده و تلویحاً به آرایه تلمیح ذهن خوانندگان خود را معنی به کلمات قصار و پرمحتوای قرآن کریم و با توجه به راهنمایی‌های لدنی ابنای بشر خواننده را به سیر و حرکت تاریخی مردم جهت تعیین سرنوشت اجتماعی خود با توجه به فلسفه زندگی و یافتن حقایق و تطابق آن با واقع کوشیده تا منحنی زندگی مردم ایران زمین را نمودار و خطمشی آنان را در فرازو نشیب ترسیم نماید و بخاطر تاثیر بخشیدن گفته‌های خود به شعر که آمیخته شعور و شعار ادبیات این خاک و بروم است توسل جسته تا اذهان خفته و بخواب غفلت رفته را بیدار نماید و در این باب تلاش کرده که دو عنصر سازنده تاریخ و ادبیات را با یکدیگر تلفیق نموده تا سایه روشن‌های جامعه و سعادت و نگون بختی مردم را با چاشنی شعر و ادبیات فارسی را پایه و اساس می‌باشد به آیندگان و سازنده‌گان این مرز و بوم خاطر نشان سازد.

محمدعلی پروین میرزا نیز به تأسی از بزرگان و نویسنده‌گان مردمی در روشن کردن این راه تاریک و پرپیچ و خم اجتماع قریب پانزده سال کوشیده ولی به تناسب تحولی که در افکار و اعتقادات مردم با گذشت زمان پدید می‌آید که بهره‌ای نگرفته و نامیدانه با یاس فلسفی کامل به دیار جاویدان شتافت.

کتاب حاضر که تقدیم شما خواننده‌گان محترم و اهل علم و ادب و شعر می‌گردد به امید روشن نمودن نکات مهم تاریخی که همراه نکات باریک ادبی است که بصورت وقایع نگاری و درج حقایق انقلاب مشروطیت است نگارنده آنچه را به رای العین مشاهده

کرده بی‌حب و بغض بدون طرفداری از گروه مستبدین یا مشروطه خواهان در قالب مثنوی رزمی و عرفانی سروده تا خستگی تاریخی را به لطف نکات ادبی تلطیف نموده بلکه خواننده با ذوق ادبی که ذائقه خوش آیند هر اهل ادب و شعر است مسائل پیچیده تاریخ مشروطیت را حل و فصل نماید به ویژه که نگارنده با انقلاب صدر مشروطیت همزمان بوده و با سرزمین آذربایجان که مهد مبارزه علیه هواداران محمد علیشاه قاجار که سمبول استبداد بوده کاملاً آشنایی داشته است.

کتاب *ذرخوشاب* در اوزان و محور تقارب و رمل به تأسی از شاهنامه فردوسی و مثنوی معنوی در حدود ۲۱۰۰ بیت به زبان فارسی و گهگاه آمیخته به زبان آذری سروده شده که با توجه به عینیت یافتن آن ارزش تاریخی و ادبی دارد شاعر این مجموعه محمدعلی پروین میرزا است در سال ۱۳۰۰ ه.ق در شهر تبریز در محله سرخاب که مقبره الشعرا ی فعلی است تولد یافته و در سال ۱۳۴۵ ه.ق نیز در زادگاه خود در آن مکان که قبله<sup>۱</sup> به گورستان مقبره سید حمزه معروف بود از زندان تن پرکشید و به سرای جاویدان به معبد خود و لقاء الله پیوسته است.

این کتاب به سبک شاعران قدیم از توحید و نعمت و منقبت پیغمبر اعظم و مدح مولای متقیان شروع شده و تا حصول نتیجه مشروطیت و سردار سپه وزارت جنگ رضاشاه ادامه یافته است.

متعهد و خداشناس بودن شاعر که عنوان ناظمی و طبع شعر خود را در خواب و رویا از امام حسن مجتبی گرفته وی را مکلف و موظف داشته تا وظیفه اصلی مورخی را هرگز فدای طبایع حرص جاه و مال ندارد و از انحرافات و لغزش‌های فریبنده حاکمین وقت در امان باشد شاید که این دین ملی و میهنی و بار عظیم رسالت شعر و نویستگی و تاریخ را ادا نماید. بعد از گزند داس دروگر قدر تمدنان هفت خطه در امان باشد.

زآن سپس روکرد برمن تاجدار گفت برگو مدحتم کن افتخار

مجتبایم داده چون خلعت مرا تیره نبود شایدم مطلعست مرا

نگارنده و شاعر این مجموعه با توجه به موقعیت مکانی و آشنایی کامل با افکار بیشتر سران و حاکمان وقت به ویژه شخصیت مستبدینی چون محمد علیشاه و حاجی صمد خان شجاع الدوله و غیره و مصاحب و گفتگوی مستقیم با آنها و سران مشروطه چون ستارخان(سردار ملی) و باقرخان (سالار ملی) مسائل و وقایع روز را بدون ثحریف و تطمیع به رشتہ تحریر در آورده و بدون حب و بغض و مسائل شخصی که متأسفانه بیشترین مورخین را متأثر میکند حقایق و اتفاقات را نمودار کرده است که والاترین ارزش جامعه است و به همین خاطر برای دست یافتن به حقیقت و تعمیق بخشیدن به آن به ادب شعر پناه برده که از هرگونه محدودیتی رهایی یابد تا با صنایع آن توده خواص و عوام را با فرهنگی راستین آشنا سازد و با استفاده از علم و هنر روشنی‌های زندگی وحشیانه این روزگاران را شریف و انسانی کند برخلاف سیاست روز که مردم را با خشونت بداد، دروغ و کینه توزی به فساد و تباہی می‌کشد.

اگر ما بخواهیم که همه فعالیتهای گوناگون رژیم‌های گذشته را در زمینه سیاست داخلی دریابیم معنی این فعالیت‌ها برای ما همچون کوششی همه جانبه از سوی دستگاه دیوان سalarی خواهد نمود که هدفش جلوگیری از رشد کمی و کیفی مبانی اندیشه ما مردم بوده است.

نگارنده با زیان شعر که لب کلا م است کاملاً حاکمین وقت و روزگار را بی‌کفایت و بی‌لیاقت خوانده و به خاطر صیانت نفس به آنها فهمانده که خطرناک‌ترین دشمنان مغز و اندیشه و تmovجات ذهنی انسان است که با تفکرات منطقی و انسانی خود مانع جامه عمل پوشیدن نیات شوم و شیطانی و افسار گسیختگان باید بود در نتیجه با کلیه امکانات بالقوه خویش تلاش می‌کردند از رشد نیروهای فکری مردم در جامعه جلوگیری کنند یا با ایجاد انحرافاتی مسیر مستقیم و سازنده آنها را تغییر دهند و در این فعالیت جنایت آمیز بعضی اشار عوام فریب ناخودآگاه را به خدمت گرفته و خود

جامعه هم با نامتعادل بودن ندانسته تسلیم زور و قلدری شوند و به ظاهر خود را با توجه به تغییرات بروزی موفق و کامراوا یابند.

کتاب حاضر نمودار عدم فرهنگ و علم و دانش حکومت و مردم است که چگونه به جای ساختار و ایجاد پایه و نهاد پیشرفت و انسانیت بنام جنگ و اختلاف آراء و افکار در کره خاکی دهها میلیون نفر از سالم ترین و خوش بینه‌ترین مردم را از کسب و کار مهم زندگی جدا کرده آنان را به جان یکدیگر انداختند تا همدیگر را بکشند و به این کشت و کشتار نام "پیروزی" نهند و مبهات و افتخار کنند به کشنن مردمی که پرارزش‌ترین شاهکارهای روی زمین را پدید آورده‌اند یعنی فرهنگ و هنر را.

گنجینه‌های روی زمین را نابود، به ناموس و شرف انسان‌ها تجاوز کرده، کودکان را کشته‌اند. هیچ رسوایی و ننگی نیست که جنگ تجویز نکرده و در این کتاب به آن اشاره نشده، هیچ جنایتی نیست که جنگ آن را موجه ندانسته باشد به ویژه اگر نام پیروزی را یدک کشد که دیگر تلفات انسانی مطرح نیست. چه اندیشه‌های سالم و هوشمندی که در دوران جنگهای داخلی برخاک کثیف پخش و پراکنده شده است این نابودی بی‌معنای انسان بدست انسان که هیچ موجود زنده‌ی پلیدی مرتکب چنین فجایعی شرمگین نمی‌شود. هزاران سرباز و رزمnde ناقص و معلول مدت‌های دراز تا دم مرگشان دشمنانشان را فراموش نخواهند کرد و نفرت خود را از جنگ به فرزندانشان منتقل خواهند نمود و بذر دشمنی را خواهند کاشت و محصول این بذرافشانی پربار خواهد شد که سراپا نفرت و کینه‌توزی و دشمنی است. گناه این فریب شیطانی و ایجاد بی‌نظمی به گردن مشوقین جنگ و هیزم بیار معركه خواهد شد.

بهتر است گناه را به گردن مسئولین و حاکمین وقت نیندازیم از حقیقت تلغیخ سخن بگوییم و فریب خود را نخوریم همه ما مردم جامعه در ایجاد بی‌نظمی و مسمومیت جامعه در این جنایت مقصريم، آن بهتر است که این نیروهای عظیم خانمان برانداز را بجای انداختن به جان یکدیگر برای تامین مسائل حیاتی کشور تجهیز کنیم تا هزاران

کیلومتر کویر خشک بی‌آب و علف نمک و لوت را به آبادانی تبدیل کنیم و دست از ادعا و تبختر و سختوری برداریم، با کمی اندیشه، انسان درونگرا کاملاً نومید شده و دیوانه وارفriاد می‌زند "ای نکبت زدگان پرمدعا به خودتان رحم کنید و به خود آیید". وقایع دوران مشروطیت نمودار هرج و مرج کامل است که با وجود ثروت طبیعی و استعدادهای درونی آن به سبب عدم کاربرد آن و فقر و بیباشی معنوی کشور گرفتاری و مصائب وصف ناشدنی دامن‌گیر مردم می‌گردد و این مصائب با گفتار از بین نمی‌رود چرا که به گفته معروف: "جهان را نه گفتار که کردار آفرید" یعنی دو صد گفته چون نیمکردار نیست و بنیانگذاران مکتب پراغماتیسم نیز عامل پیشرفت تمام این‌ها بشر را در دو قرن پیش همین روش سازنده بی‌قیل و قال دانسته‌اند

نیروی اندیشه و فکری نخستین نیروی باروری است که در وله اول باید مورد علاقه شدید کلیه مسئولین امر از ابتدا تا انتها باشد و برای شنیدن آراء و نظریات کلیه آحاد جامعه در هر قشری و سطحی و تحمل افکار و اندیشه دیگران حتی در جهت مخالف نظریات شخصی خود جان و تن را فدا کند و در صورت نمودار شدن حق و حقیقت آن را با جان و دل پذیرد چرا که به قول نگارنده غرفت دنیا ثباتی ندارد

گه امیرت می نماید گه اسیر	خوش نگر بازیچه‌ی این دهر پیر
گاه اورنگ رعیت پروری	بحشت گاهی کلاه سروری
گاه در زنجیر و چاه و آه و سوز	گاه در نخجیر گاه باز ویوز
گه نماید چوبه‌ی دارت مکان	گاه بشاندت قصر زرشان
گه خردمندی، مکن هیچ اعتنا	گه عنانت می سپارد گه عصا
مهر و قهرش، همچو گرگ و گوسفتند	تا نوانی دل بسه مهر او مبند
ناموده مهرگرداند چهر	چند گاهی گر نماید روی مهر
ایستاده زین عجزوه در کنار	دانشی مردان مرد روزگار
گرد کردن بردگر بگذاشن	سکه سیم و طلا انباشتن
بهتر از این قصه چون آرم دلیل	جان شیرین را کند خوار و ذلیل
مال غیریت می کند حالت خراب	گر نرنجی گوییمت راه صواب
بهر تو بنموده پیغمبر کتاب	ای برادر خوشبود حق و حساب
ای که در تخت جلالی برقرار	می نشو غافل ز حکم روزگار